

«زندگی چون هاله‌ای است نورانی و پوششی نیمه شفاف، که ما را از زمان بیدایش، تا دم مرگ فرا می‌گیرد»
«ویرجینیا وولف»

زمان نویسی در ترکیه در دوره تنظیمات و پس از ترجمه سیرگذشت تلماک (۱۶۹۹) اثر فنلون، نویسنده فرانسوی که وی نیز آن را از کتاب اودیسنه، اثر هومر اقتباس کرده بود، به طور جدی آغاز شد. به دنبال اثر فنلون، زمان رویتسون کوروزونه اثر دنیل دفو منتشر شد. و ناصح کمال اولین زمان را در ادبیات ترکیه با نام انتخاب یا حوادث زندگی علی بیگ انتشار داد.

احمد مدحت افندی نوول نویس و دایزه المعارف نویس معروف ترکی، در آن روزگار بر این باور بود که، نویسنده راستین، باید با بازیگری و ژرفنگری به وضعیت روحی تک‌تک شخصیت‌های آثارش بپردازد. و خواننده نکته‌سنج، باید مطلب را درست ببیند و به قول شمس تبریزی به اندرون آنان در آید و با آشنایی با دنیای درونی آنان، بتواند در حد توان خویش از خود به در شده، دم دیگری شود و با بهره‌گیری از توان خلاقه ذهن پویای خویش برای به دست آوردن آزادی و بهروزی برای خود و بشریت تلاش کند؛ چون تنها با غنا بخشیدن به وجود خویش و کامل ساختن خویش است که می‌توان از حال (آنچه هست) گریخت و به آینده (آنچه باید باشد و نیست) رسید. وظیفه نویسنده این است که فکر خلاقه خواننده‌گان آثارش را به کار بسازد تا آنان برای دمی هم که شده، خود را جای برخی شخصیتها بگذارند و به سرزمینهای

ناشناخته سفر کنند.

داستان کوتاه‌نویسی در ترکیه با توجه به ادبیات مردمی و ملی و فرهنگ عوام پدید آمد. عمر سیف الدین که هنر را در عکس‌برداری از واقعیتها می‌دید، در اواخر عمر خویش به دلیل نداشتن تجربه کافی از زندگی، به بازنویسی و بازآفرینی برخی از افسانه‌های بومی پرداخت ولی نتوانست آثار درخشان و ماندگاری بیافریند. تنها حسن داستانهایی او، در زبان ساده‌ای است که وی در نوشتن آنها به کار گرفته است؛ زبانی ساده و عادی بدون داشتن هیچ خصوصیت ویژه‌ای. سپس نویسندگان واقع‌گرای چون یعقوب قدری قره عثمان اوغلو، خالد ادیب ادیوار و رفیق خالد کارای راه سیف الدین را دنبال کردند.

نویسندگانی همچون، نبی‌زاده ناظم، حسین رحیمی گورینار و بکیو فخری بیرو مکتب ادبی ناآورالیم بودند و نویسندگانی مثل: محمد رفیق، جمیل سلیمان، پیامی صفا و صمد آقا اوغلو راه نویسندگان زمان روان شناختی نو را دنبال می‌کردند.

از نویسندگانی که راه رسیدن به داستانهای نو را هموار کردند، می‌توان فخری جلال الدین، صلاح الدین انیس، صدری ارتم، عثمان جلال کایلی، ممدوح شوکت استدال، کتعبان خلوصی ناهید سجری اوزوک، بکیر صدقی کوت و رشاد انیس آپکن را نام برد.

صلاح الدین علی، داستان‌نویسی را از ۱۹۲۷ آغاز کرد. او در مجموعه داستانهای کوتاه دنیای نو و گاری یا پیروی از چخوف،

پژوهش

هجوم حقیقت

نیم‌نگاهی به ادبیات امروز ترکیه

ترجمه و تدوین: جعفر سلیمانی کیا



گوگول، کالدول و اشتاین بک از زندگی انسانهای له شده و دلهره‌های روحی آنان نوشت و نشان داد که اربابان تنگ چشم و کاهل و افزون طلب، چطور مردان - این نان‌آوران خانه - را به غدر می‌کشند و زن و بچه‌های آنان را به امید خدا رها می‌کنند. او که خود، دو بار زندانی شده بود، با ذهنی خلاق و زبانی خشن، از زندگی زندانیان درمانده نوشت. علی‌نخستین کسی بود که معنی **دوست داشتن** را برای خوانندگان آثارش شرح داد و رمانی به نام **شیطان درون ما** نوشت؛ رمانی که همانندی‌هایی با **رمان پرندۀ خارزار اثر رشاد نوری گون تکین** دارد. علی‌که شیوه نوشتن و شاعری را از **ناظم حکمت** فرا گرفته بود، در سال ۱۹۴۳ رمان **فونتامارا** اثر سیلونه را به ترکی ترجمه کرد.

سعید فائق مثل نویسندگان **مینیمالیستی** در آثارش ایده‌های فلسفی مطرح نکرده و به موضوع‌گیری سیاسی نپرداخته است؛ شخصیت داستانهایش به اندازه کافی عمیق نیستند. توصیفهایش ساده و سبک‌ش یکنواخت است. شاید به این دلیل، عده‌ای برخی از داستانکهای او را با **حکایت‌های سعدی** در کتاب **گلستان** و یا آثار نویسندگانی چون: **آن بی‌تی، کارور و چپور** مقایسه کرده‌اند. فائق رمانی به نام **موتور مدار معیشت** نوشته و یک رمان پلیسی هم از **ژورژ سیمون** به نام **میل بی‌پایان به زندگی** به ترکی برگردانده است. آنچه باعث شده عده زیادی از دانش‌آموزان و دانشجویان، آثار فائق را بخوانند، لحن صادقانه و صمیمی داستانهای گوناگون اوست.

از سال ۱۹۴۹ نویسندگان بسیاری از جمله اورهان کمال، به داستان زندگی اندوهبار روستاییان و شهر نشینان نادر پرداختند. کمال هم که مثل علی، نوشتن را از حکمت آموخته بود، در مجموعه داستانهای **داستانهای بلند** و **رمانهایش** به زندگی روستائیشینان، مردمان عادی، خوش‌نشینان، کارگران کودکان فقیر و زندانیان پرداخت. کمال از اولین کسانی بود که در ترکیه با زبانی صریح و واقع‌گرایانه از زندگی کودکان، نوجوانان و جوانان زندانی داستان کوتاه، داستان بلند و رمان نوشت. او در داستانهای کوتاهی، از نویسنده‌های حرف می‌زند که می‌خواهد برای سیر کردن شکم دختر و زنش، رمان **عظیم جنگ و صلح** اثر **تولستوی** را بفروشد؛ اما دست آخر از این کار صرف نظر می‌کند. و در داستان کوتاه **توی کامیون**، با نثری شسته و رفته و با خونسردی - همچون **چخوف نازنین در داستان کوتاه وانکا** - نشان می‌دهد که افراد مرفه چطور می‌خواهند با دادن پولی اندک؛ دختری را به کنیزی بخرند.

تا کنون از روی برخی از رمانهای کمال، فیلم و سریال ساخته شده است. از مجموعه داستانهای کمال، می‌توان، **سلول ۷۲**، **کوچه پشتی**، **سه‌م برادر و بیکار** و از رمانهای او، **رخت شو** و **پسرانش**، **خانه پدری**، **سالهای دربه‌دری**، **جمیله**، **مرتضی**، **گناهکار**، **دختر مردم**، **مزرعه خانم**، **خاکهای خونین**، **دنیای فریب‌کار** و **قاچاق** را نام برد.

از سال ۱۹۴۲ به بعد، نویسندگانی چون: **رشاد انیس**، **صمیم قوجا گوز**، **کمال ییلباشار** و **جودت قدرت** به خلق آثار واقع‌گرا

دست زدند.

اینان در آثار خود، با پیروی از نویسندگانی همچون: **استاندال**، **تواین**، **سارویان**، **رولان**، **زید**، **زولا**، **مویسان**، **مارتن دوگار**، **هاردی**، **مالرو**، **مان**، **گورکی**، **لندن**، **منسفیلد**، **لرمانتف**، **بالزاک**، **شولوف** و ... با پرداختن به زندگی ستم‌دیدگان، روشن‌کهنه داستان‌نویسی را دنبال می‌کردند. بعدها رمان‌نویسان دیگری چون: **خالده ادیب ادیوار**، **رشاد نوری گون تکین** و **یعقوب قدری قره عثمان اوغلو** با آشنایی بیشتر و بهتر با جنبه‌های رمان، آثارشان را به شرح زندگی مردمان شهرهای بزرگ و روستاییان اختصاص دادند. چون در آثار نویسندگان مذکور به ویژه **گون تکین** و **قره عثمان اوغلو** به شخصیت‌پردازی، نثر، زاویه دید، لحن و تعلیق اهمیت لازم داده شده بود؛ رمانهای ادیب ادیوار و **قره عثمان اوغلو** در ترکیه و آثار **گون تکین**، هم در داخل و هم خارج از کشور - به ویژه در **فرانسه** - با استقبال کم‌نظیر خوانندگان مواجه شد.

از سال ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۳ نخستین آثار نویسندگانی چون: **فخری ائردینچ**، **سالم شنگیل**، **شهاب صدقی**، **نزیه مریچ**، **ممدوح شوکت اسندال**، **جمال ثریا**، **وسعت او**، **بنر**، **بیلگه کاراسو**، **تاریک دورسون** و **استادانی مثل: یلخان تاروس و جواد شاکر (هالیکارناس بالیقچیسسی)** منتشر شد.

مریچ با نوشتن رمان **به بن بست رسیدن دزدان دریایی** در ۱۹۶۲ جایزه ادبی کانون زبان ترکی، و با نگاشتن مجموعه داستان **چاه سیاه عمیق** جایزه ادبی سعید فائق را از آن خود کرد. مریچ در بیشتر داستانهایش با زبانی شاعرانه و بسیار غنی از خصوصیت‌های مبارزه‌جویانه برخی از زنان و مردان آرمان‌گرا که از رسیدن به خواسته‌های خود دچار سرخوردگی شده‌اند و از روی ناچاری سعی می‌کنند به کسانی که همواره مراقب آنان هستند؛ نشان بدهند که آنان زنان و مردانی شفاف هستند، چون نظام حاکم بر دنیای آنان کدر بودن را بر نمی‌تابد و برای رسیدن به آرامش و آسایش همه باید یکسان، یکدست و بی‌رمز و راز باشند.

این آدمها که پرندۀ ایمان از دل‌هایشان گریخته و وجدان را تا دم مرگ خوابانده‌اند و انصاف را برای همیشه فراموش کرده‌اند؛ با جمع شدن در نوشگاهها نظیر «ک»، **قهرمان کافکا** در رمان **محاکمه** برای رهایی از نکت انزوای خویش، همچنان که پلیسهایی از دور مراقب آنان هستند به بیکارگی و انگل بودن و خود ویرانگری تن در داده‌اند. چون اثری از آزادی عمل در میان نیست.

مریچ در داستان کوتاه **تا وقتی که خیال‌پروری مجانی است**، به طور گذرا به زندگی درماندگان جامعه می‌پردازد. او داستانهایی تشنه خود بی‌عدالتی ستمگران خودکامه را به طور غیر مستقیم و نمادین تصویر می‌کند. زبان مریچ گاهی احساسی می‌شود؛ واژه‌های او حس دارند و بیشتر تصویر پردازی‌ها در داستانهایی که از زبان کودکان نقل می‌شود، حسی است و جمله‌ها کوتاه است. به همین دلیل خواننده آثارش خیلی زود می‌تواند با این داستانه‌ها همذات‌پنداری کند.

داستانهای وسعت او بنر بیشتر از داستان، به اشعار شاعرانی چون اوکتاویوپاز سراینده سنگ آفتاب و تی. اس. الیوت سراینده سرزمین هرز و ناظم حکمت سراینده به زردی کاه شباهت دارد. بیشتر نوشته‌های وی به یادداشتهای روزانه، داستانتک، خاطره، گزارش و قطعه ادبی شباهت دارند. او ارزشی برای داستانهایی از نوع داستانهای آهنگری، مویاسان و ادگار آلن پو، نویسنده داستانهای گوتیک درخشان زوال خاندان آشر و داستان کم نظیر چلیک آمونتیلاو قائل نمی‌شود. نوشته‌های وی به قول بارت، خواننده وار (writerly) است. او بیشتر از پیرونک داستان به نثر، فرم و حال و هوای داستان و ساختن کلمات جدید و ساختار داستان ارزش قائل می‌شود و در استفاده از کلمه‌های بیگانه، زیاده‌روی می‌کند. به این دلیل، ترجمه آثار او به زبانهای دیگر بسیار دشوار است. از آثار او می‌توان رمان ویروس عصر یخبندان و مجموعه داستان درخت زیزفون را نام برد.

مدوح شوکت اسدال، از نویسندگان واقع‌گرا است که با ریزیابی به دور و بر خویش می‌نگرد و آنچه را که دیگران نمی‌بینند، می‌بیند. از رمانهای او می‌توان، میراث، و از مجموعه داستانهایش دو سایه در روی زمین و ۷ داستان از زندگی ام را نام برد.

تاریک دورسون ک. نویسنده‌ای جستجوگر و نوآر است که در داستانهایش بیشتر به آدمهای فلک زده می‌پردازد. گاهگاهی هم طنز می‌نویسد دورسون در زمینه‌های مختلفی چون داستان نویسی، رمان نویسی و فیلمنامه‌نویسی فعالیت می‌کند. از مجموعه داستانهایش می‌توان رؤیای وزیر، علف زن زیبا، چیزی به نام دوست داشتن، و عمرم، عمرم و از رمانهیش خانه اهل و عیال رضا بیک، ای کاش فردا نیاید و خون دریا را نام برد.

در سال ۱۹۵۰، کتاب روستای ما اثر محمود ماکال، چاپ شد، که تأثیر شگرفی بر نویسندگان واقع‌گرای ترک گذاشت. پس از ماکان نویسندگانی چون اورهان کمال، با رمان درباره خاکهای پر برکت، کمال طاهر با رمان ساغیر دره یاشار کمال با رمان اینجه ممد و فقیر با یقورت با رمان انتقام ماران راه او را ادامه دادند و از گرفتاریها، آرزوها، غمها و شادیهای روستاییان سخن گفتند.

بعد نویسندگانی چون: کمال بیلباشار نگارنده رمان جمو، صمیم قوجاگوز با پدید آوردن رمان داستان مار و ایلخان تاروس با نوشتن رمان مدعی العموم یشیل کایا، با آثار متنوع و گرانقدر خویش، نوعی رمان را که بعدها به رمان ده معروف شد؛ به وجود آوردند و با استفاده از شیوه‌ها و شکل‌های مناسب، به تنوع و غنای ادبیات روستای ترکیه چیزهای زیادی افزودند و دیدگاههای گوناگون و سبکهای متفاوت آنان گنجینه گران‌بهای ادبیات این کشور را پربارتر کرد.

یاشار کمال (صدیق گوکچله‌لی) با نوشتن رمان اینجه ممد - که از نوع رمانهای رشد و کمال است - به شهرت جهانی رسید. کمال که هنر نویسندگی را از حکمت سراینده حماسه شیخ بدرالدین آموخته بود، ابتدا به گزارش نامه‌نویسی روی آورد، سپس با خواندن

حماسه‌های کور اوغلو (کورزاد)، کتاب دده قورقود و رمانهای استاندال، سروانتس، کافکا، آراگون، چخوف، شکسپیر، مولیر، داستایفسکی، هاردی، فاکتر، تورگنیف و ... با شناخت آثار گرانقدر خویش به سوی مرزهای ناشناخته شتافت. کمال، با کشف فاکتر و بازخوانی آثار او، سرزمین خیالی چوکورووا را آفرید. سرزمینی که کمال، مردم محروم، ستمدیده، و نادار آنجا را به خوبی می‌شناخت و با آب و هوا، خاک، گیاهان، درختان، پرندگان، چرندگان، آداب، رسوم و سنتها و خصوصیات روحی مردمانش از نزدیک آشنا بود. زمانی که کمال، اینجه ممد را می‌نوشت، یاغیگری هنوز ترکیه موضوعی بکر بود.

زبان کمال در این رمان ساده، رسا، روشن و شاعرانه و غنی بود. رمان اینجه ممد که برای اولین بار در سال ۱۹۵۵ انتشار یافت؛ پر بود از صدها نام و واژه و اصطلاح محلی و روستایی که بیشتر این کلمه‌ها برای مردمان خود ترکیه ناشناس و نامفهوم بودند. به همین دلیل، علی پوسکوللو اوغلو شاعر و فرهنگ‌نویس مشهور ترک، فرهنگ یاشار کمال را در سال ۱۹۹۱ در استانبول چاپ کرد. در سال ۱۹۸۳ که رمان اینجه ممد در ترکیه به چاپ نوزدهم رسیده و به بیش از سی زبان زنده جهان برگردانده شده بود، منتقد غرض‌ورزی به نام ن. ضیاباکیچی اوغلو، در کتاب رمان ترک از آغاز تا امروز نقدی بر این رمان نوشت و ادعا کرد که این اثر به رمانی پلیسی و فیلمی وسترن شباهت دارد. نویسنده نقد نوشت که، کمال در توصیف طبیعت و حلالتهای جسمی و روحی شخصیت‌های اثرش، به ویژه خود ممد، زیاده‌روی کرده و کمتر به دنیای درونی ممد پرداخته است. او در نقد خویش همچون فتیحی ناجی (منتقد منصف و نام‌آور ترک که بهترین اثر کمال را رمان در قلعه می‌داند)، به تأثیرپذیری کمال از رمان بیگانه اثر قدری قره عثمان اوغلو اشاره کرد و افزود که کمال در این رمان، تنها در شخصیت‌پردازی علی شله موفق بوده و توانسته ترس و تردیدها، ضعفها، خوبیها و بدیهایی را که در وجود این آدم است؛ به خوبی نشان دهد و نوشت که این رمان، آغاز و پایان خوبی دارد و در پایان نقد درخشان خویش، خواست برای نمونه هم که شده ایرادی از نثر رمان پیدا کند. اما در این کار ناکام ماند.

البته پرداختن به مسئله مهمی چون تأثیرپذیری نویسندگان از همدیگر، کار بسیار دشواری است. به قول فونتس، آیا کتابی بی‌پدر، مجلدی یتیم در این دنیا وجود دارد؟ کتابی که زاده کتابهای دیگر نیست؟ ورقی که از کتابی که شاخه‌ای از شجره پر شکوه تخیل آدمی نباشد؟ آیا خلاقیتی بدون سنت هست؟ و باز، آیا بدون نو شدن، بدون آفرینشی جدید و نورستن قصه‌ای دیرنده و دوام می‌یابد؟ در این که در آغاز رمان اینجه ممد، کمال از اشتاین بک و در بخشی از آن از لندن و قره عثمان اوغلو تأثیر پذیرفته؛ شکی نیست.

برخی از منتقدین شوروی هم سخت بر این باورند که مارکز نویسند رمان صد سال تنهایی از رمان مرشد و مارگاریتا تأثیر پذیرفته و البته خود بولگاکف نیز برای دست یافتن به سبک

رنالیسم خیالپردازانه خویش، چیزهای زیادی از استادانش **ایلف وپتروف** نویسندگان مشترک کتاب **صندلی و گوساله طلایی** آموخته است. اینکه نویسنده هنر خویش را از دیگری بیاموزد و برای آشنایی با انواع سبکهای نویسندگی آثار استاتیدفن را بخواند؛ هیچ ایراد و اشکالی ندارد؛ آنچه زبان آور است به قول یک منتقد رونویسی محققانه از آثار ادبی است!....

رمان سه بخشی **آن سوی کوهستان (ستون خیمه، زمین آهن است و آسمان مس، گیاه بی زوال)**، **اربابهای آقچاساز**، اگر ما را **بکشند**، **افسانه آغری**، **در قلعه و داستان کوتاه آبهای که به کندی جاری می شوند**، از آثار ارزشمند یاشار کمال هستند. برخی از منتقدان بر این باورند که کمال در نوشتن گیاه بی زوال از رمان **همچون که دراز کشید بودم و من مردم (گور به گور)** و در نگاشتن **اربابهای آقچاساز** که عنوان اصلی آن **جنایت بازار آهنگران (یوسف یوسفک)** است از رمان **ابشالم! ابشالم!** تأثیر پذیرفته است.

فقیر بايقورت نویسنده مشهور ترک، اولین مجموعه داستانش را با عنوان **کک مکی، شکم درد و کوتوله** در سال ۱۹۵۵ منتشر کرد. اغلب آثار او در مجموعه مذکور به جز داستانهای **کنده خالی، کوتوله و تله خرس** بیشتر به داستانکها، یادداشت گونهها، قطعه های ادبی ناقص و دست آخر به طرحهایی از یک روستا شباهت دارند. از مجموعه داستانهای دیگر او می توان، **ممد کوتوله، مرده ای در مرز، شیفت شب** و از رمانهای مشهورش رمان سه گانه **(انتقام ماران، زندگی ایرازجا و حماسه قارا احمد)** را نام برد.

بايقورت در سال ۱۹۵۶ برای نوشتن رمان **انتقام ماران** جایزه رمان نویسی یونس نادى و در سال ۱۹۷۱ برای نگاشتن رمان **داس** جایزه رمان نویسی **سعید فائق** و در سال ۱۹۷۸ برای پدید آوردن رمان **حماسه قارا احمد** جایزه رمان نویسی اورهان کمال را از آن خود کرد.

یاشار کمال رمان **لاک پشتها** را رمانی فراموش ناشدنی نامیده است. **لاک پشتها** بی هیچ اغراقی رمانی است در حد و اندازه های خوشه های خشم اثر اشتاین بک. در این رمان، **لاک پشت** خصوصیتی تمثیلی و نمادین دارد.

در رمانهای **بايقورت**، فضای جامعه روستایی، با تمام ویژگیهای آن به خوبی و به درستی تصویر شده اند. شخصیتهای آثار او مثل شخصیتهای آثار نویسندگان ما که از روستا می نویسند، مظلوم و تو سری خور نیستند. هیچ وقت تن به ذلت و خواری نمی دهند و به داروهای اعتیادآور رو نمی آورند. آنان برای دست یافتن به اهداف و آرمانهای خود در برابر کدخداها و زورگویان می ایستند از جان و مال خویش می گذرند اما نمی گذارند کسی آنان را کوچک کند. این روستاییان صبور، فروتن و سرفراز، گاهی برای کار به آلمان می روند.

بايقورت یک بار برای آشنایی با شیوه زندگی کارگردان ترک در آلمان به آنجا سفر کرده و چند ماهی با آنان کار کرد و درباره

زندگی آنان داستان نوشت. همانطور که یاشار کمال برای آشنایی با شیوه زندگی **قاچاقچیان** و نوشتن اثری درباره آنان، حدود یک ماه به طور ناشناس در میان آنان زندگی کرد؛ **بايقورت** در رمان **لاک پشتها** و رمان سه بخشی خود به شخصیتهای رمان اجازه می دهد خود به شیوه ای نمایشی، آزادانه بیندیشند و سپس افکار خود را با لحنی مخصوص به خویش بیان کنند در این رمانها، شخصیتها با کارها و کردارشان خود را نشان می دهد. در داستانهای **بايقورت**، به زنان - به ویژه مادران - احترام زیادی قائل می شوند. **قهرمان اصلی** رمان **انتقام ماران**، **پیرزنی** به نام **ایرازجاست**. او زنی است سخت کوش، پر تلاش و ظلم ستیز. پس از انتشار رمان **انتقام ماران**؛ **یعقوب قدری** قره عثمان اوغلو، **صباح الدین ایوب اوغلو**، **اورهان کمال**، **یاشار کمال**، **سلیم آنداک** و **خلدون تانر** آن را ستودند. و دو فیلم، یکی سیاه و سفید و دیگری رنگی از روی این رمان ساخته شد.

یاشار کمال به ویژه در شخصیت پردازی چیزهای زیادی از **بايقورت** آموخته است. **پیرزنی** به نام **مریمجه** که در رمانهای کمال از شخصیتهای مهم رمان است؛ کردارش بیشتر به **ایرازجا** (شخصیت کلیدی رمان سه گانه **بايقورت**) شباهت دارد. از بهترین داستانهای کوتاهی که **بايقورت** درباره زندگی کارگردان در آلمان نوشته، می شود از داستان **کارگران در مغازه بزرگ** نام برد.

بکیر ییلدیز؛ ییلدیز نویسنده ای صاحب سبک است که از سرزمینهای جنوب شرقی **آناتولی** و از زندگی کارگران ترک در آلمان می نویسد.

ییلدیز در آثارش بیشتر به آداب و رسوم ناردست، عشایر جنوب شرقی **آناتولی** می پردازد. در آثار او، ما با مردان، پیرمردان پسران و دختران و خردسالانی مواجه می شویم که بیشترشان فقیرند و از ناداری و مهمتر از همه جهل و پیروی از آداب و سنن ایلیاتی رنج می برند. آنان با پیروی جاهلانه از قوانین ایلیاتی، عروسی می کنند، آدم می کشند و خون بی گناهان را می ریزند. مثل **گوسفندی** هستند که ارباب و آقای - که معمولاً صاحب چند پارچه آبادی است - آنان را به این و آن آقای پولدار می فروشند.

بیشتر داستانهای **ییلدیز**، فشرده و موجز هستند و ریخت و شکل مناسبی دارند. بیشتر داستانهای او مثل داستان خوش ساخت و تلخ **بدرانه جالب** و **افشاگر و انتقادی** هستند. **ییلدیز**، به انگیزه ها و اعمال آدمهای داستانهایش اهمیت زیادی می دهد. زبان داستانهای او متناسب با داستانهایش خشن است. جمله هایش کوتاه و صریح و گاه پیچیده است. **ییلدیز** مثل **همینگوی** و **چخوف** قدرت تخیلی بسیار قوی ای دارد.

از آثار **ییلدیز** می توان مجموعه داستانهای **کوتاه ارباب رشو واگن سیاه** برنده جایزه ادبی مای در سالهای ۱۹۶۹ - ۱۹۶۸ و **شاهان قاچاقچی** برنده جایزه ادبی **سعید فائق** در سالهای ۱۹۷۱ - ۱۹۷۰، **بی سرپرستان**، **ترانه سفید**، **اسبی از دنیا گذشت** و رمان **ترکها در آلمان** را نام برد.

تحسین یوجل از نویسندگانی واقعگرایی بود که درباره آدمهای

قصه آلبیستان داستان می‌نوشت. اما بعدها، از پیروان مکتب ادبی و هنری امپرسیونیسم شد که در اواخر سده نوزدهم هم پدید آمده بود و هدف پیراوانش، بیان تأثیر کلی یک صحنه یا موضوع، با هدف جزئیات کوچک و پرداختهای پر شاخ و برگ بود. از مجموعه داستانهای او می‌توان **مرگ رویاها**، **پس از زندگی** و **بازگشت** را نام برد.

فروزان از نویسندگانی است که در سال ۱۹۷۱ با نوشتن مجموعه داستان **شبانه‌روزی مجانی** به شهرت رسید. او با کتاب مذکور در سال ۱۹۷۲ جایزه ادبی سعید فائق را از آن خود ساخت. از دیگر آثار او می‌توان: مجموعه داستانهای **محاصره**، **موسم گل** است، **آن سوی شب**، **رمانهای چهل و هفتی‌ها** و **گل انار برلین** را نام برد.

در داستانهای فروزان؛ زنان بیوه به ویژه کودکان و دخترکان نقش عمده‌ای دارند. او همچون سالیانچر یا چشم کودکان به دنیای آدم بزرگها و شادیهای ناچیز و نومیدیهایی فراوان و بزرگ می‌نگرد. او با جزئیات، زندگی این کودکان بی‌یار و یاور و زنان شاغل و تنها را برای ما شرح می‌دهد. لحن داستانهای او بسیار غمناک است. بیشتر آدمهای داستان او اجاره‌نشین هستند و صاحبخانه‌ها روح پاک و حساس آنان را با سخنان تلخ خویش زخمی می‌کنند. زندگی آنان در درون خانه - این سلول کوچک - با سکوت و دلتنگی می‌گذرد و شهر برای آنان سلول بزرگی است. چون پولی برای خریدن چیزی ندارند و به زور می‌توانند شکم خود را سیر کنند. بیشتر آثار او به داستانهای **شروود اندرسن**، **ویرجینیا وولف**، **ویلیام فاکنر**، **فرانک اوکانر** و **آیزاک باثویس سینگر** شباهت دارند.

فروزان با خونسردی تمام و با لحنی سرد داستانهایش را روایت می‌کند و همچون **خوان رولفو** داستان‌نویس مکزیکی در مجموعه داستان **دست سوزان‌اش**؛ در هر داستانی از فرمی مناسب موضوع آن استفاده می‌کند و زبان پر ابهام، شعرگونه و ثقیل او باعث می‌شود عده‌ای که تنها به وقایع ساده و شرح آنها در داستان ارزش قائل می‌شوند حوصله ندارند تا کمی زحمت به خرج دهند و ظرافتها، ریزه‌کاری و نازک‌کاری‌های هنری و نوآوریهای تکنیکی و مثبت‌کاری‌های لفظی او را دریابند؛ در نتیجه کمتر به سراغ کتابهای او می‌روند. اما فروزان نیز همچون سالیانچر خوانندگان مخصوص به خود را دارد؛ چون مجموعه داستان **شبانه‌روزی مجانی** او تا سال ۱۹۹۳ در مدت بیست و دو سال به چاپ دهم رسیده است!

ژول کوتامر، شاعر، نویسنده و مترجم نام‌آور ترک است. او در داستان‌نویسی با پیروی از **فاکنر** بیشتر از اسطوره و تصویر بهره می‌برد. نثر وی ساده، درست، روشن و غنی و رنگارنگ است. خواننده در آخر برخی از داستانهای او از جمله داستان **کوتاه سیتی** زینب در پایان داستان با پیچشی ظریف روبرو می‌شود.

صمیم قوجاگوژ، از نویسندگان واقع‌گرای ترک است. اولین مجموعه داستان او **درخت تبریزی زرین من** نام داشت. او در

سال ۱۹۴۸ **رمان دو دروازه یک شهر** را منتشر کرد. از جمله داستانهای کوتاه او **عمو سام** در مسابقه جهانی داستان‌نویسی که در سال ۱۹۵۰ از سوی **نیویورک هرالد** ترتیب یافته بود، بسیار جلب توجه کرد و به چندین زبان ترجمه شد. از رمانهای مشهور او می‌توان **آخرین سرعت** و **یک وجب خاک** و از مجموعه داستانهای کوتاهش **پناهگاه**، **گوسفندان احمد**، **صخره کنار جاده** و **آخرین سرعت** را نام برد.

سنوگی سویسال، هدف او به قول نویسنده‌ای دست یافتن به زوایای ناشناخته و تاریک جای آدمی است؛ تا خوانندگان آثارش بتوانند راهی به ژرفنای روح خویش و دیگران بیابند و قادر باشند با کاوش در درون خود، دل خویش را جلا دهند و از دلتنگیها به سوی نور و شادکامی بردارند. سویسال همواره در طول زندگی خویش در آثارش به آرزوها، رویاهای رنگین و دور و دراز آدمهای دور و برش پرداخت. او با نویی بزرگوار و نویسنده‌ای دردمند بود که در آثارش به اصلاحات و دگرگونیهای بنیادین جامعه تمایل نشان می‌داد. خوانندگان می‌توانند با خواندن آثارش هم از فرم و قالب زیبا و هم از نکته‌های بدیع و مطالب نو لذت ببرند. از آثارش می‌توان مجموعه داستان **پسری به نام صلح** و **رمانهای راه رفتن و نیمه روز در شهر جدید** را نام برد.

مرادخان مونقان، موقنان شاعری توانا و داستان‌نویسی بزرگ است که بیشتر به شیوه مریچ و از نویسندگان ایرانی، زنده‌یاد بیژن نجدی و راضیه تجار داستانهای شاعرانه می‌نویسد. کافی است فقط یک داستان، برای نمونه، داستان **مینیمالیستی جنایت خونین عاشقانه‌ای (عارفانه‌ای) درده بویاجی** را بخوانی تا بی‌اختیار به یاد داستانهای تسلسل پارکها و رو به آسمان در شب از کورتاسار بیفتی.

آیسل اوژی‌یاکین، در رمانها و داستانهای واقع‌گرایانه‌اش با بهره‌گیری از توصیفهای کوتاه از آدمهای داستانها و نیز مکان چیزها به خواننده‌اش کمک می‌کند تا مطالبی را به سبب شباهت، مجاورت و یا تضادی که با یکدیگر دارند؛ به خاطر بیاورد. با جامعه خویش پیوند متعادلی برقرار کند و با خودشناسی بتواند جامعه را بشناسد و با پرسشگری و جستجوگری حلال و روز آدمهای هم‌روزگارش را درک کند. او با مجموعه داستان **پرندگان آبی روی پیشانی‌ات** در سال ۱۹۸۰ **جایزه ادبی مادرالی** را از آن خود ساخت.

ادنان اوژی‌یاچینر، او که در آغاز نویسندگی‌اش داستانهای سر راست می‌نوشت و به زندگی آدمهای له شده دور و برش که جامعه - مکان و اوضاع و احوال - در آنان اثر می‌گذاشت، می‌پرداخت، پس از رویگردانی از فرمهای سنتی نویسندگی تلاش کرد با تأثیرپذیری از نویسندگانی چون: **سارتر** و **گامو** با پدید آوردن آثار انتزاعی به توصیف زندگی آدمهای مضطرب و ناسازگار بپردازد؛ آدمهایی که به دلیل نرسیدن به آرزوهای دور و دراز و امیال خویش و نبود عدالت در جامعه، سر به طغیان بر می‌دارند. اوژی‌یاچینر به قول نویسنده‌ای - البته در برخی از آثارش - توانسته گفتار شخصیت‌های داستانهای

را صاحب لحن کند. او در شخصیت‌پردازی و تصویرسازی و انتخاب زوایای دید مناسب استاد است. زبانی که او در آثارش به کار می‌گیرد، ساده، رسا و روشن است. شاید تنها عیب داستانهای او در درازگویی و درازنویسی باشد.

از مجموعه داستانهای کوتاه او می‌توان: **یغما**، برنده، جایزه کانون زبان ترکی در سال ۱۹۷۲ - ۱۹۷۱ و **مردی با چشمان بسته**، برنده جایزه ادب سعید فائق در سال ۱۹۷۸ - ۱۹۷۷ را نام برد. **عباس سیار**؛ او از نویسندگان واقع‌گرایی است که داستانهایش بیشتر به برخی از داستانهای **شولوخوف** و **والنتین راسپوتین** شباهت دارند. از رمانهای او می‌توان **اسب گله** و **رمان شادمانی جان‌را** که در سال ۱۹۷۵ - ۱۹۷۴ برنده جایزه ادبی مادرالی شد، را نام برد.

برخی از نویسندگان ترک از آثار نویسندگان **آگزستانسیالیست** استقبال کرده و با پیروی از آنان آثار متفاوتی پدید آوردند. آنان با خواندن آثار فلسفی و رمانها و داستانهای کوتاه سارتر و کامو همچون آنان بشر را خالق سرنوشت و سازنده شخصیت خویش به شمار آورده و با نشان دادن بدیها، سیاهیها، سستیها، بی‌قیدها، فرار از مسئولیت، دروغ و ریا و خیانت به دوستان؛ ادعا کردند که می‌خواهند این زشتیها را دگرگون کنند.

آنان با نوشتن رمانهای **نظیر تهوع**، **طاعون** و **بیگانه** رفته رفته به نوعی **اومانیسم** که سارتر و کامو آن را باور داشتند، رسیدند. و به زندگی آدمهای گوشه‌گیر پرداختند و در آثار رنج‌آور و دهشتبارشان از نفرت و وحشت و اضطراب سخن به میان آوردند. جهانی که آنان در آثار ادبی خویش نشان دادند، جهانی یخ‌زده و بی‌روح بود و مردمان لابلای و تیره روز در این جهان آواره و سرگردان مانده بودند و حتی از دگرگون کردن خود عاجز بودند چه برسد به تمدن روبه زوال و غیر اخلاقی غرب! البته کامو بر خلاف سارتر به ناامیدی رضا نداد. او با علاقه بی‌پایانی که به کتابهای **اودیسه**، **جنگ و صلح**، **دون کیشوت** و نمایشنامه‌های **شکسپیر** داشت؛ گفت که در کانون آثار من خورشیدی است شکست‌ناپذیر. کامو درباره **کافکا** نیز چنین نظر داد: «جهان هنرمند نباید هیچ چیز را حذف کند. جهان کافکا - با آن جنبه‌های تخیلی خاص او - تقریباً تمام دنیا را حذف می‌کند. از آن گذشته، من واقعاً نمی‌توانم به ادبیاتی کاملاً بی‌امید وابسته باشم.»

شایان ذکر است که، بنا به گفته خود کامو؛ نویسنده‌ای که تأثیر زیادی در او گذاشته بود، **ملویل**، خالق **موبی دیک** بود. از نویسندگان اومانیست ترکیه می‌توان، **دمیر اوژلو**، **ادنان اوژالچینر**، **فرید اندگو**، **اورهان دورو**، **اردال اوژ**، **وسعت او**، **بئر**، **نزیهه مریچ**، **بیلگه کاراسو** و **سنوگی نطقی** را نام برد.

برخی از نویسندگان ترکیه نیز با پیروی از رمانهای **جویس**، **وولف**، **بکت**، **کافکا**، **دوراس**، **ساروت**، **رب‌گری**، **یه**، **بوتور** و **سیمون** سعی کردند رمانی نوپدید آورند. در رمان **نونه** جذابیت موضوع برای نویسنده اهمیت دارد، نه تسلسل منطقی حوادث و نه شخصیت‌های داستان.

موضوع فقط قالبی است برای بازنمایاندن سلسله حوادثی که ممکن است هیچ ربطی به هم نداشته باشند و شخصیت‌ها، نظیر رهگذرانی هستند که از خیابان یا کوچه‌ای می‌گذرند. قلم نویسنده همچون دوربین فیلمبرداری تا زمانی که شخصیتها در میدان دید دوربین است - لحظه یا لحظه‌هایی چند - تصاویری از او را ضبط می‌کند و سپس به حال خود می‌گذارند، تا زمانی که دوباره گذر شخصیت مذکور به این خیابان یا کوچه نیفتد. به طور خلاصه رمان نو به هیچ وجه چیزی از خود ابداع یا خلق نمی‌کند و افکار خواسته‌هایش را از زبان فرد یا افرادی به زبان نمی‌آورد، بلکه تنها دیده‌ها و شنیده‌هایش را در قالبی نه چندان متجانس گرد می‌آورد و قضاوت و برداشت درباره آنها را به عهده خواننده می‌گذارند!

برخی از نویسندگان ترکیه به خیال خویش - همچون برخی از نویسندگان خودباخته و غربزده ایرانی - برای غنی کردن زبان و برای دست یافتن به جهانی خاص، منفرد و ذهنی خود - همچون **لویی فردینان دتوش (سلین)** نگارنده کتابهای **سفر به انتهای شب**، **مرگ قسطی** و **مدرسه اجساد** - کلمه تازه‌ای می‌سازد و یا کلمه‌هایی را به کار می‌برند که غیر مرسوم است!

از نمونه‌های این گونه آثار، بوی ترجمه به مشام می‌رسد. چون در مواقع زیادی نمی‌توان این نوشته‌ها را از آثار ترجمه شده تشخیص داد. بیشتر این آقایان و بانوان در اصل قادر به نوشتن - آن هم به زبان مادری خویش - به زبان عامیانه و تقلید از نویسندگان مورد نظرشان نیستند.

آثار نویسندگان رمان نو ترکیه را مضامینی چون: **جنایت**، **ترس**، **حسّانیت**، **ملال**، **تنهایی**، **جنون دلهره**، **اضطراب**، **ضمیر نیمه هوشیار**، **طغیان بر ضد جامعه**، **نفرت**، **حقارت**، **پوچی** و **بی‌باوری** به قاعده و قانون مرسوم تشکیل می‌دهد. از پیشروان رمانهای نو و داستانهای کوتاه مدرن ترک می‌توان نویسندگان زیر را نام برد.

لیلا اربیل، **احمد حامد تانپینار**، **فیاض کایاجان**، **سلجوق باران**، **خلدون تانر**، **تومریس اوپار**، **اینجی آرال**، **دمیرتاش جیحون**، **پینار کور**، **پریده جلال**، **اورهان بئر**، **نجاتی جومالی**، **نجاتی گون گور**، **عایشه کلیمجی** و **گول ذرن بیلگی لی**، **ماهیر اوژتاش**، **لیلا اربیل**، **نجاتی توسونر**، **نازلی ارای**، **زینب آوجی**، **فیاض هپ چیلینگیرلر**، **سلیم ایلهری**، **عدالت آقا اوغلو**، **سوییم بوراک**، **سلجوق باران**، **آیهان بوزفیرات**، **اوغوز آتای**، **شهاب صدقی**، **جاهد بوراک**، **نورسل دوروال**، **عثمان شاهین**، **راسیم اوژدن اوژن**، **اوکتای آکبال**، **ندیم گورسل**، **عایشه کلیمجی** و ...

نویسندگان نظیر: **بوکت اوزونر**، و **هولکی اکتونچ** نیز سعی می‌کنند با پیروی از **براتیگن**، **بارتلمی** و **کافکا** با در نظر گرفتن ویژگیهای کار نویسندگان مذکور، **عدم قطعیت**، **تناقض**، **جابجایی** و **عدم انسجام رمان** و داستان کوتاه **پست مدرن** بنویسند!

بی‌نوشت:

۱. گوز: چشم؛ فوجا گوز: آن که چشم درشتی داشته باشد.